مقام معلم‏

احترام بهارى، شماره اشتراك 5545، از اراك

غلامحسين خميسه، شماره اشتراك 8123 ، از دزفول‏

صمقام والا و بسيار مقدس معلمى را نمى‏توانيم با نوشتن چند جمله بر كاغذ نشان دهيم. اين، عادت ما شده است كه مى‏خواهيم همه ارج و اجر خوبان را به ارزانى چند جمله ادبى و شاعرانه، تنزل دهيم و آن گاه وجدان خود را آسوده سازيم كه از عهده سپاس گزارى بر آمده‏ايم و ديگر مسئوليتى براى ما باقى نمانده است! در حالى كه نه آموزگاران عزيز به اين انشا نويسى‏ها احتياج دارند و نه اين جملات قشنگ، بارى از دوش ما بر مى‏دارد؛ اما به هر حال چون گفته‏اند: دوست دارد يار اين آشفتگى/كوشش بيهوده به از خفتگى، ما نيز چون ديگران به پرتوى از انوار فروزان معلمان اشاره مى‏كنيم.

در تكريم منزلت معلم همين بس كه اسلام بزرگ داشت عالم و معلم را تكريم پروردگار مى‏داند. حضرت على‏عليه السلام‏مى‏فرمايد: «من وقّر عالماً فقد وقّر ربّه؛(1) هر كسى عالمى را احترام كند، به تحقيق خدا را احترام كرده است.»

بنا به روايتى، امام حسين‏عليه السلام‏دامان معلمى را كه به يكى از فرزندانش سوره حمد ياد داده بود، پر از دُرّ و گوهر كرد. عبدالرحمان سلمى مى‏گويد: «وقتى فرزند امام‏عليه السلام‏سوره حمد را نزد ايشان خواند، امام براى آموزگار او هزار دينار فرستاد و به او لطف‏ها كرد. كسى به حضرت گفت: آيا گمان نمى‏كنيد كه در اين بذل و بخشش افراط كرده‏ايد و بيش از آنچه سزاى معلمى است، به او بخشيده‏ايد؟ امام‏عليه السلام‏بى درنگ و با صداى بلند فرمود: اين عطا كجا و اجر آموزگار كجا!»(2)

امام خمينى‏قدس سره‏مى‏فرمايد: «اين شغل [معلمى‏] شريف‏ترين شغل‏ها و پر مسئوليت‏ترين شغل هاست.»(3)

شخصى نزد امام على‏عليه السلام‏آمد و گفت: من معلم هستم و گاهى اوقات شاگردانم را به حال خود رها مى‏كنم. حضرت او را از اين كار نهى كرد و فرمودند: «شغلك كشغل القاضى؛ شغل تو مانند شغل قاضى است»؛ يعنى معلمى به اين آسانى‏ها كه ما فرض مى‏كنيم نيست؛ همان طور كه كار قاضى مهم است و يك اشتباه او جان افراد را به خطر مى‏اندازد، همين طور هم، كار معلم اهميت دارد.(4)

ويژگى‏هاى يك معلم خوب‏

همه ما سال هايى پر از خاطره را به ياد داريم كه آموزگارانى مى‏آمدند و تا پايان سال تحصيلى با ما همراه مى‏شدند. آنها همه يك جور نبودند؛ جوان و پير، كوتاه و بلند، زود رنج و صبور، خسته و تازه نفس؛ اما همه معلم بودند و دوست داشتنى.

از ميان صفات خوب يك معلم، برخى برجسته‏اند كه به مواردى از آنها اشاره مى‏كنيم:

1 . عشق به تعليم: معلمى، شغلى است توأم با عشق. معلم، يك انسان به تمام معنا عاشق است و عاشقانه تعليم مى‏دهد.

«معلمان بزرگ بر اين باورند كه نخستين نشانه يك معلم موفق، برخوردارى از سوز و گداز انسان سازى است.»(5)

«انسان حتى با مطالعه بهترين نظريه‏هاى تعليم و تربيت، مربى نمى‏شود. معلمى كه قواعد عمومى و اختصاصى تربيت و اصول روان‏شناسى را مى‏داند، ولى از عشق به تعليم و تربيت، آتش به جان ندارد، در شغل خود هزاران بار بيشتر از زمانى كه از اين قواعد و اين اصول چيزى نمى‏دانسته، در خطر اشتباه است.»(6)

2 . رعايت عدالت: يك معلم خوب بايد بداند دانش‏آموزان او از استعداد و قدرت درك و يادگيرى متفاوت برخوردارند، بنابر اين بايد حال آنان را از حيث فهم، ادراك و گنجايش ذهنى در نظر گرفته، براى تدريس و كمك به ايشان از راه‏هاى مختلف و عوامل گوناگون بهره بگيرد.

همچنين بايد ميان دانش‏آموز درس خوان و مرتب با دانش‏آموز ضعيف و نامرتب، تفاوت منطقى قائل شود. البته اين تفاوت هرگز به معناى تبعيض نيست، بلكه از عدالت سرچشمه مى‏گيرد.

3 . تواضع و اخلاص: امام صادق‏عليه السلام‏مى‏فرمايد: «علم را بجوييد و با آن به بردبارى و وقار آراسته گرديد و در مقابل شاگرد خود و يا معلم، تواضع پيشه كنيد.»(7)

4 . يگانگى در گفتار و عمل: اين ويژگى از جمله ويژگى‏هاى تأثير گذار در تقويت ايمان دانش‏آموز به معلم و آرمان‏هاى اوست. معلمى كه سخنان و اعمالش با هم منطبق نباشد و از صداقت خالى باشد، هرگز موفق نخواهد شد.

5 . پذيرش حق: يك معلم خوب به گفتار درست و به حق مخالف خود بها مى‏دهد و آن را مى‏پذيرد.

6 . آشنايى با مسئوليت، نيازها و تسلط بر بحث: خود آگاهى، شناخت موضوعات، نقش‏ها و مسئوليت‏ها، تسلط بر بحث و چگونگى ورود و خروج در آن، يكى از صفات برجسته يك معلم است. بيان مطالبِ متناسب با نيازهاى دانش‏آموزان نيز، در گرو كسب اين آشنايى است.

7 . خوش خلقى و بردبارى: يك معلم خوب نبايد سر كلاس زود رنج باشد و اخم هايش را در هم بكشد. وقتى وارد كلاس مى‏شود، چهره‏اى خندان و خوشحال داشته باشد. اگر دانش آموزى درس را ديرتر از بقيه مى‏فهمد، آن را تكرار كند و عصبانى نشود. براى بچه‏ها دوستى صميمى باشد، احساسات آنها را درك كند و مشكلاتشان را با حلم و بردبارى مو به مو برطرف نمايد.

8 . توان مندى: توان مندى معلم از جهات مختلف از جمله: تدريس، كنترل كلاس، تفهيم با حركات موزون و نگاه‏هاى دقيق و بيان شيوا، يكى ديگر از امتيازات اوست. مطالعه قبلى و تنظيم برنامه درسى مطابق با شرايط كلاس، در بالا بردن توان معلم بسيار مؤثر است.

9 . اقرار به نادانى: وقتى از معلمى در باره موضوعى سؤال شد كه به آن آگاهى ندارد يا اطلاعاتش كم است و يا هنگام تدريس به مسئله‏اى برخورد كه از آن مطلع نيست، بايد با شهامت كامل، به ندانستن خود اعتراف كند و بگويد: از آن اطلاعى ندارم و بايد در باره‏اش تحقيق كنم. چنين خصلتى، در ايجاد اعتماد متقابل بين معلم و شاگرد بسيار مؤثر است.

تأثير رفتار معلمان بر شاگردان‏

غالباً افراد مهم، چهره‏هاى موفق علمى، هنرى، فرهنگى و نيز كسانى كه از حيث معنوى و اخلاقى داراى تعالى هستند، نظر ديگران را به خود جلب مى‏كنند و براى آنان سرمشق مى‏شوند. خوش بختانه در نظر دانش‏آموزان، معلمان نيز نقش الگويى دارند.

«معلم با آموزش‏هاى مستقيم و غير مستقيم خود، نقش تعيين كننده‏اى هم در نگرش و هم در رفتار دانش‏آموزان خود دارد تا جايى كه اين تأثير، ساليان سال در ذهن ايشان باقى مى‏ماند.»(8)

گفتار، نوع حركت و رفتار يك معلم بيشتر از خود دانش‏آموز بر او تأثير دارد و مورد پذيرش قرار مى‏گيرد. «آلبرت بندورا» كه از واضعان نظريه يادگيرى اجتماعى است، مهم‏ترين يادگيرى انسان را تقليد يا سرمشق‏گيرى مى‏نامد.»(9)

پى نوشت ها:

1) غررالحكم و دررالكلم، ج 2، ص 675.

2) بحارالانوار، ج 4، ص 191.

3) صحيفه نور، ج 6، ص 236.

4) به نقل از: مجله تربيت، سال سوم، شماره ششم، اسفند ماه 1366، ص 24.

5) مجله پيوند، خرداد 1380، شماره 26، ص 39.

6) مجله رشد معلم، سال 22، آذر 1382، شماره 177، صفحه روى جلد.

7) بحارالانوار، ج 2، ص 41.

8) جزوه شماره 18، از سرى جزوات علوم تربيتى، دفتر همكارى حوزه و دانشگاه، ص 33 و 43.

9) احمد ديلمى و مسعود آذربايجانى، اخلاق اسلامى، ص 164.